

بررسی تأثیر خانواده و رسانه‌های گروهی بر مشارکت دانشجویان دختر در
فعالیت‌های ورزشی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه هرمزگان)
مصطفی ظهیری نیا^۱ هدایت الله نیکخواه^۲ نسیمه شفیعی^۳

چکیده:

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر خانواده و رسانه‌های گروهی بر مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های ورزشی است. این تحقیق با رویکردی کمی و به روش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر دانشگاه هرمزگان تشکیل می‌دهند که بر اساس آن ۳۵۴ نفر به عنوان حجم نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. با توجه به اینکه جامعه آماری شامل چند زیر گروه عمده (مقطع و دانشکده) می‌شود بنابراین از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. برای ارزیابی میزان روایی ابزار پژوهش از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان پایایی مقیاس‌ها، از آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین وضعیت تأهل، سن، درآمد، مقطع تحصیلی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رابطه‌ای وجود ندارد. اما بین خانواده و رسانه‌های گروهی با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. و نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد، متغیر خانواده در مجموع ۱۹ درصد از تغییرات مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: مشارکت ورزشی، جامعه پذیری ورزشی، خانواده، رسانه‌های گروهی، دانشگاه هرمزگان.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۱

^۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، mozan54@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، hnik2000@yahoo.com

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول)، shafieinasim@yahoo.com

مقدمه:

تغییر و تحولات جهانی مقوله های زندگی معاصر، تربیت بدنی و ورزش را از ضروریاتی ساخت که دوری از آن اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. ورزش از فعالیت های فراغتی از نوع فعال است که نقشی تعیین کننده در حفظ سلامت جسمی و روحی انسان ها دارد. داشتن زندگی سالم مستلزم تحرک و فعالیت های ورزشی است. اطلاع افراد از تأثیرات مطلوب فعالیت های بدنی بر دستگاه های مختلف بدن موجب شده است گرایش به فعالیت های ورزشی افزایش یابد (صفانیا، ۱۳۸۰: ۲۵).

استواری و دوام یک جامعه سالم و پویا، بی شک درگرو سلامت یکایک اعضای آن است. و این امر برای افراد جامعه جز از طریق تقویت بنیه جسمانی و روحی آنان میسر نمی شود. با توجه به اینکه زنان ارتباط مستقیمی با زندگی نیمی از افراد جامعه پیدا می کنند و نقشی که در بهبود توانایی های آنان دارد و به عنوان گروهی که سهم مهمی در توسعه جامعه دارند، باید از سلامت کامل برخوردار شوند، سلامت هر یک از اعضای جامعه به ویژه زن مستقیماً بر تصویر کلی سلامت خانواده تأثیر می گذارد. بنابراین نگرش کلی زن نسبت به جسم و عملکرد فیزیکی بدنش در نگرش کلی او تأثیر مستقیم دارد چراکه سلامت و روان هر زن، روابط اجتماعی او با دیگران را شکل می دهد، از طرف دیگر ورزش به زنان کمک می کند مهارت رهبری خود را افزایش دهند. به عنوان یک قاعده جهانی، مشارکت توده زنان در فعالیت های ورزشی محدود است (دوفرانس، ۱۳۸۵).

در طی چند دهه ای که از شکل گیری جامعه شناسی ورزش می گذرد، شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در فعالیت های بدنی و ورزشی از چالش انگیز ترین موضوعات جامعه شناسی ورزش بوده است. در همین راستا، محققان به نقش عوامل مختلفی تأکید داشته اند که در میان آنها خانواده و رسانه های گروهی همواره از جایگاه قابل توجهی برخوردار بوده است. نتایج برخی تحقیقات نشان می دهند که اغلب ورزشکاران تحت تأثیر افراد خانواده خود قرار می گیرند. بی تردید محیط خانوادگی اغلب مهم ترین پایگاه به شمار می آید که در میزان انگیزه، گرایش به فعالیت های

جسمانی، انتخاب نوع رشته‌های ورزشی، میزان فعالیت‌های ورزشی و حضور در میادین ورزشی و مسابقات اثرات مهم دارد. رضایت والدین از فرزندان خود در جلسات تمرینات ورزشی، حمایت‌های مالی و معنوی آنان از فرزندان و همکاری با مسئولان و مربیان ورزشی از عوامل مهم برای حضور مؤثر و مستمر دانشجویان در تمرینات ورزشی دارد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر اگر والدین و خواهران و برادران بزرگ‌تر ورزش کنند فرزندان کوچک‌تر خانواده نیز به ورزش روی می‌آورند.

ویس در بررسی خود نشان داده است که عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی شامل سلامت و تندرستی، ارتقاء سطح توانایی بدنی، یادگیری مهارت‌های جدید، پذیرش در گروه همسالان، حمایت شدن به وسیله خانواده می‌باشد (Weiss, 1993: 9-69). والدین علاقه به ورزش و تمرین را در فرد تقویت و آشکارا بر مشارکت فرد در ورزش تأثیر می‌گذارند (اشنایدر، ۱۹۸۳). حمایت اعضای خانواده نقش مهمی در مشارکت ورزشی ایفا می‌نمایند (Eyler, 1997: 27-50). حمایت خانواده به طور ثابت تأثیرگذار بر میزان مشارکت افراد در فعالیت بدنی است (کنیون و مکفرسن، ۱۹۷۳: ۳۳۲-۳۰۳) و برعکس عدم حمایت اجتماعی سبب کاهش سطح مشارکت در فعالیت ورزشی می‌گردد. بین ورزش و رسانه‌های گروهی رابطه متقابلی وجود دارد. از یک طرف با گسترش ورزش و حضور رسانه‌های گروهی در آن سبب آشنایی و همه‌گیر شدن بسیاری از رشته‌های ورزشی شده و از طرف دیگر بخش رسانه‌های گروهی به گسترش ورزش وابسته گردیده است. رسانه‌های گروهی در بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی ما دخالت دارند. از امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی گرفته تا ورزش‌ها و بازی‌ها، شاید بتوان گفت که کمتر رسانه‌ی گروهی وجود دارد که در زمان برگزاری مسابقات جام جهانی و المپیک به ارائه گزارش یا خبری از آن‌ها نپردازد. رسانه‌های گروهی نه تنها با بیان و پخش برنامه‌های ورزشی سبب سرگرمی می‌گردند بلکه سبب افزایش آگاهی و افزایش تجربه در بسیاری از امور ورزشی نیز می‌گردند و این تأثیر ناشی از دسترسی ما به اطلاعات از طریق همین رسانه‌های گروهی است. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که علاوه بر خانواده و گروه همسالان رادیو و تلویزیون نیز بر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دارای تأثیر مثبت هستند (Bandura, 1997; King & et.al, 1992: 221-223).

برای دانشجویان کشور که سالهای نوجوانی را بی‌خطر سپری کرده‌اند و امکان تهدیدهای انحرافی آنان در زمان فراغت تقریباً منتفی است، جنبه سازندگی، نوآوری، خلاقیت، ابتکار و رضایت درونی از اوقات فراغت بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به فعالیت‌های ورزشی در دوران تحصیل در دانشگاه، فرصت بسیار خوبی است که آنان را بیشتر با منافع ناشی از فعالیت‌های

بدنی آشنا سازد اگر محیط‌های خانوادگی و دوران تحصیل در دبستان و دبیرستان، شرایط پی بردن به ضرورت پرداختن ورزش در آنان به وجود نیاورده باشد، دوران تحصیل دانشگاهی فرصت باارزشی خواهد بود که علاوه بر پرداختن به ورزش و تقویت قوای جسمانی و پر نمودن اوقات فراغت به بهترین شکل ممکن که درنهایت، سلامتی و تندرستی را به همراه خواهد داشت از منافع روانی و اجتماعی آن نیز برخوردار شوند.

بر این اساس، با توجه به اهمیتی که خانواده و رسانه های گروهی در فرایند مشارکت ورزشی افراد دارد و دانشگاه‌ها یکی از مراکز مهم و آینده‌ساز جهت حضور و بروز جوانان هستند، در این پژوهش سعی شده پاسخگوی سؤالات زیر باشیم:

(۱) آیا خانواده و رسانه های گروهی در مشارکت ورزشی جوانان تأثیرگذار هستند؟

(۲) و اگر تأثیرگذار هستند، سهم هر کدام از این عوامل چقدر است؟

پیشینه نظری و تجربی:

الف) تحقیقات انجام شده داخلی:

*عبدالحمید شمسی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان « تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر اصفهان» به تبیین عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان پرداخته است که در این مقاله می‌خوانیم: عوامل زیادی در مشارکت ورزشی افراد مؤثرند که از آن جمله می‌توان به خانواده، وسایل ارتباط جمعی، مدرسه و همسالان اشاره کرد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر خانواده قوی‌ترین تأثیر را در تبیین توسعه مشارکت ورزشی جوانان داشته است. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که توسعه مشارکت ورزشی جوانان از یک کانال خاص صورت نمی‌گیرد و عوامل مختلفی در آن تأثیر دارند(شمسی، ۱۳۹۰).

*دکتر سروش فتحی (۱۳۸۸) در تحقیقی دیگری تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان» به بررسی مباحث جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت ورزشی دانشجویان پرداخته است. نتایج حاصل از یافته‌های این تحقیق نشان داد: بین مقطع تحصیلی و مشارکت ورزشی رابطه وجود ندارد ولی بین تأهل، جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، وضعیت اشتغال، احساس سودمندی ورزشی، دسترسی آسان به امکانات ورزشی، حمایت اجتماعی، حضور ورزشکار قهرمان در خانواده و علاقه به رشته‌ی خاص ورزشی با مشارکت ورزشی دانشجویان رابطه

معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش مرحله‌به‌مرحله را برای متغیر وابسته مشارکت ورزشی نشان می‌دهد. در مجموع ۶ متغیر به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت ورزشی دارند و وضعیت تأهل، جنسیت، احساس سودمندی، دسترسی به امکانات ورزشی، حمایت اجتماعی، علاقه به ورزش (فتحتی، ۱۳۸۸: ۷۳-۴۶).

*تحقیق دیگر تحت عنوان «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی» توسط صادقیان (۱۳۹۰) انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد که انواع رسانه‌های جمعی (تصویری، صوتی، چاپی) بر گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی تأثیر دارد و در گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی، مهم‌ترین نقش رسانه‌ها، آگاه‌سازی مردم از فواید ورزش همگانی و کمترین نقش رسانه‌ها، تبلیغ و اطلاع‌رسانی در مورد ورزش همگانی و همایش‌های آن بود (صادقیان، ۱۳۹۰).

*پارسامهر (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی نقش عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های ورزشی پرداخت که نتایج این بررسی نشان داد که از میان متغیرهای جامعه‌پذیری (خانواده و بستگان، معلمان و مربیان) چهار متغیر تشویق اعضای خانواده و بستگان، همراهی اعضای خانواده و بستگان، تشویق معلمان و مربیان ورزشی و راهنمایی معلمان و مربیان ورزشی در مرحله اول و نقش دوستان در مرحله دوم توانسته‌اند به ترتیب ۱۰/۵ و ۱/۲ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت دختران نوجوان را در فعالیت‌های ورزشی نشان دهند (پارسامهر، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۰۳).

*عریضی و همکاران (۱۳۸۵) تحقیقی را با عنوان «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)» به انجام رسانده‌اند. نتایج، تفاوت معنادار مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های ورزشی را با توجه به نوع حمایت اجتماعی به‌عمل‌آمده از زنان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نشان داده است. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی چندگانه نیز نشان داده است که چهار متغیر، ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن بهترین دوست، درآمد و سودمندی ورزش در مرحله اول و حمایت اجتماعی در مرحله دوم توانسته‌اند به ترتیب ۱۵/۹ و ۲/۱ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی را تبیین نمایند (عریضی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۲-۵۳).

ب) تحقیقات انجام‌شده خارجی:

* «نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، مصرف رسانه‌های گروهی و مشارکت ورزشی بر روی نگرش افراد نسبت به فعالیت‌های ورزشی متناسب با جنسیت فرد» عنوان تحقیقی از هاردین و گرییر (۲۰۰۹) است. هدف پژوهش حاضر این است تا نوع نگاه به فعالیت‌های ورزشی در جامعه‌ای آمریکا را تحت تأثیر هنجارهای جنسیتی دریابد. نتایج نشان می‌دهد که عوامل مذکور بر روی شکل‌گیری برخی از فعالیت‌های ورزشی که ماهیتی جنسیتی دارند، تا حدودی تأثیرگذار بود؛ و اینکه فعالیت‌های ورزشی که از نظر اجتماعی ماهیتی جنسیتی دارند نیز قابل تغییر هستند. هاردین و گرییر نتیجه می‌گیرند تا زمانی که تصاویر فرهنگی متفاوتی از زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌بینیم، افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی و جسمانی تغییرات اندکی را در رشته‌های ورزشی که از نظر اجتماعی مردانه محسوب می‌شوند، ایجاد خواهد نمود (Hardin & Greer, 2009).

* «نقش طبقه‌ی اجتماعی بر روی مشارکت ورزشی زنان» عنوان تحقیقی از سوزان گریندوفر (۱۹۷۸) است. هدف این تحقیق تحلیل بررسی رابطه‌ی مابین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و نوع مشارکت ورزشی زنان است. وی در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که شکل فعالیت‌های ورزشی زنان (تیمی، انفرادی، ترکیبی) تابعی از موقعیت اجتماعی - اقتصادی آنان است. بررسی رابطه‌ی مابین تأثیر گروه‌های مرجع (خانواده و گروه همالان) و شکل مشارکت ورزشی ورزشکاران دختر نیز یکی از فرضیات مورد بررسی گریندوفر بود که، هیچ ارتباطی مابین شکل فعالیت‌های ورزشی و تأثیر گروه‌های مرجع یافت نشد (Grendofer, 1987: 619-625).

* سیچ (۱۹۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش والدین و جامعه‌پذیری ورزشی ورزشکاران هم دانشکده‌ای دختر و پسر» به مطالعه‌ی فرایند جامعه‌پذیری نقش ورزشی پرداخت. وی معتقد است که والدین غالباً نگاه متفاوتی در رابطه با مشارکت ورزشی دختران و پسرانشان دارند. نتایج نشان می‌دهد که والدین یکی از منابع مهم برای مشارکت ورزشی جوانان هستند. اطلاعات نشان می‌دهد که والدین هر دو گروه از ورزشکاران دختر و پسر تمایل دارند در فعالیت‌های ورزشی که موردعلاقه‌ی خودشان است، مشارکت داشته باشند؛ و اینکه پدران حمایت بیشتری از پسرانشان به‌منظور مشارکت ورزشی در مقایسه با دخترانشان می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه‌ی مثبت ضعیفی مابین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و انتظارات والدین از فرزندان‌شان در ارتباط با مشارکت ورزشی، تشویق و حمایت‌های والدین و مقدار زمانی که برای ورزش کردن با فرزندان‌شان گذاشتند، وجود دارد (Sage, 1980: 1-12).

چارچوب نظری تحقیق:

***نظریات بوردیو:** مفاهیم محوری نظریه بوردیو در تحلیل‌های جامعه‌شناختی ورزش، در قالب مفاهیم ساخت‌های جسمانی، میدان و سرمایه مطرح می‌شود. مدل ارائه شده توسط بوردیو یعنی مدل رشته ورزش - بازی دارای قابلیت اجرایی ویژه ورزشی است به‌خصوص در لحظات تنش‌زا. ورزش‌های المپیکی یکی از این میدان‌های فعالیت ورزشی است که در آن گروه‌های مختلف شامل بازیکنان، مربیان، مسئولین ورزشی، رسانه‌ها و تولیدکنندگان برنامه‌های ورزشی، حمایت‌کنندگان مالی و غیره حضور دارند و هرگونه سرمایه‌ای را در این فعالیت ورزشی به دست می‌آورند.

بوردیو در مباحث خود به طبقه اجتماعی و ورزش نیز اشاره می‌کند. وی معتقد است عادات هر طبقه اجتماعی از طریق ورزش و سایر فعالیت‌های فرهنگی مشخص و آشکار می‌گردد. طبقه اجتماعی در باشگاه‌های ورزشی و انتخاب آن‌ها از سوی ورزشکاران ظهور می‌یابد. به طوری که باشگاه‌های ورزشی انحصاری در به عضویت گرفتن اعضاء خود محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند و افراد سطح بالا را با سطح بالای سرمایه در باشگاه‌های خاص می‌بایم.

به نظر بوردیو مهم‌ترین عامل‌هایی که می‌توانند نحوه توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را توضیح دهند عبارت‌اند از:

- ۱- سرمایه اقتصادی شامل: درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی؛
- ۲- سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادات دیرپایی که طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد.
- ۳- وقت آزاد (بندورا، ۱۳۷۲: ۲۴۰).

***مدل نظری ویز و شومتون:** به اعتقاد بسیاری از محققان، کامل‌ترین مدل برای تبیین مشارکت در ورزش توسط این دو محقق ارائه شده است. آن‌ها با استفاده از رهیافت شناخت اجتماعی تأکید بر این دارند که چگونه عوامل فردی، اجتماعی و موقعیتی بر یکدیگر تأثیر متقابل نهاده و شناخت فرد در مورد مشارکت ورزشی را شکل می‌دهند. آن‌ها با استفاده از بسیاری از نظریات مهم در این زمینه، مدل انگیزشی خاصی را ارائه داده‌اند. بر اساس این مدل؛ مهم‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت ورزشی و تداوم آن، جهت‌گیری انگیزشی فرد می‌باشد. یعنی آیا فرد دارای جهت‌گیری درونی است یا دارای جهت‌گیری بیرونی و معطوف به نتیجه و پیامد. فرد دارای جهت‌گیری درونی از نوعی نظام

خود - پاداش‌دهی استفاده می‌کند. در نتیجه دارای کنترل درونی بوده و ادراک مطلوبی از شایستگی خود دارد. نتیجه این فرایندها، افزایش احتمال مشارکت او در ورزش می‌باشد. در مقابل، فرد دارای جهت‌گیری بیرونی برای قضاوت در مورد توانمندی‌های فردی خویش از نتیجه و پیامد (پیروزی در ورزش) استفاده می‌کند. علی‌رغم شایستگی‌های موجود در این مدل، تأکید فراوان آن بر جهت‌گیری انگیزشی افراد سبب عدم توجه به سایر عوامل مؤثر شده است (شارع پور، ۱۳۸۱: ۸۱).

***نظریه شناختی اجتماعی (یادگیری اجتماعی):** مطابق این نظریه، عوامل شخصی، رفتاری و موقعیتی به طرز پیوسته جهت تعیین آنچه ما فکر می‌کنیم و آنچه انجام می‌دهیم، در تعامل می‌باشند. نظریه بندورا همچنین بر فرآیندهای خودارزیابی افراد تأکید می‌کند. او معتقد است اهداف شخصی و خودارزیابی‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روی آنچه افراد انجام می‌دهند، داشته باشد

درواقع در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بر فرآیند جامعه‌پذیری افراد تأکید شده است. در این نظریه بر تعیین‌کننده‌های فردی رفتار مانند: عقیده، نگرش و انگیزه و تعیین‌کننده‌های بیرونی رفتار مانند: شیوه‌های تجدیدقوای اجتماعی و فیزیکی تکیه شده است. در این نظریه اظهار می‌گردد که رفتار، تنها متأثر از تجربه فرد نیست، بلکه با مشاهده رفتار دیگران نیز یادگیری انجام می‌شود (Vilhelmsson, 1998).

مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی در تمام تغییرات رفتاری، یک مکانیسم شناخت عمومی واسط قرار می‌گیرد که بندورا آن را «خود اثربخشی» نامیده می‌شود.

در پژوهش‌های مربوط به رفتارهای ورزشی، وقتی که از تأثیر عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و خویشاوندان، هم‌سن‌وسالان و اولیای مدرسه) بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی سخن به میان می‌آید از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا برای تبیین علل مشارکت بهره‌گیری می‌شود. این نظریه با تأکید بر نقش یادگیری در انجام دادن رفتاری خاص از سوی فرد که سبب پذیرش نقش-های رفتاری ویژه مانند مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌گردد، به بررسی دلایل مشارکت افراد در فعالیت‌های رفتاری خاص مبادرت می‌ورزد. لذا در این دیدگاه الگوهای رفتاری همچون بزرگسالان، همسالان و دوستان در ایجاد فرصت به منزله منابعی از کارآمدی بدنی و منبعی از بهره‌مندی و تعیین‌کننده‌هایی از تعهد به انجام دادن فعالیت، دارای اهمیت هستند. والدین، معلمان، مربیان و همسالان از طریق بازخورد، تشویق، تقویت، الگودهی و پی‌ریزی فرصت‌ها روی ادراک

افراد از توانایی بدنی تأثیر به سزا دارند (Weiss & Dancan, 1992). بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی عوامل جامعه‌پذیر کننده در نقش‌های ورزشی ابتدا با پاداش‌هایی (تشویق‌هایی) که افراد از الگوهای رفتاری (مانند آموزش و راهنمایی و همراهی) برای مشارکت در فعالیت‌های رفتاری خاص، زمینه برای پذیرش و شرکت در فعالیت‌های ورزشی مهیا می‌گردد. لذا افراد با توجه به میزان حمایت‌های اجتماعی (تشویق، راهنمایی و همراهی) دریافت شده از عوامل جامعه‌پذیر کننده به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی مبادرت می‌ورزند.

*نظریه کنش متقابل نمادین:

پیش‌فرض‌های اساسی این دیدگاه عبارت‌اند از:

الف) ارتباطات و رفتار انسانی بستگی به نمادهای معناداری دارد که زمینه همکاری بین مردم را ایجاد می‌کند. یک نماد به این دلیل معنادار است که در یک گروه مشترک معنی را بین افراد گروه منتقل می‌نماید.

ب) با توجه به اهمیت معانی منتقل شده توسط نمادهای معنادار در کنش متقابل، همکاری تنها در صورتی امکان‌پذیر است که افراد تقریباً همان معانی را مورد توجه قرار دهند و کنش‌های دیگران را از طریق قرار دادن خود به جای آنان درک نموده و بر طبق آن عمل کنند.

ج) معانی ممکن است از طریق اصلاح در معرض تعریف مجدد قرار گیرند. در جوامع پیچیده ممکن است معانی توسط خرده گروه‌ها به‌طور متفاوت درک شوند. معانی ممکن است در حالت انتقالی قرار داشته باشند و به دلیل دگرگونی‌های سریع اجتماعی نیاز به بازنگری و بررسی مجدد داشته باشند. تعریف مجدد از طریق کنش متقابل اجتماعی صورت می‌پذیرد.

د) در سطح فردی معانی از طریق یک فراگرد انعکاسی تبیین می‌شوند. این فراگرد شامل کلیه موضوعات و کنش‌هایی است که توسط فرد درک می‌شوند و تعریف وضعیت^۴ نامیده می‌شود.

ه) کسب معانی و توانایی دستیابی به اندیشه‌های انعکاسی، نه تنها محیط اجتماعی بلکه معانی و تأملات مربوط به خود را نیز شامل می‌شود.

این رویکرد بر این عقیده استوار است که رفتار انسانی مستلزم انتخاب است و آن انتخاب بر مبنای تعریفی است که مردم درکنش متقابل با یکدیگر به آن شکل می دهند. بر مبنای کنش متقابل گرا، ما انسان ها صرفاً به صورت خودکار به محیط پیرامون پاسخ نمی دهیم، بلکه فعالانه درباره رفتارهایمان تصمیم گیری می کنیم. علاوه بر این ما در کنش متقابل با دیگران هنجارها، نقش ها، روابط و ساختارهایی که جامعه را می سازند، خلق می کنیم. بر این اساس ما قادر هستیم که درک خودمان را گسترش دهیم و بفهمیم که چه کسی هستیم و چگونه با جهان اجتماعی رابطه برقرار کنیم. این درک و توانایی در فرایند جامعه پذیری حاصل می شود. «جامعه پذیری فراگرد پویایی است که به فرد اجازه می دهد تا ارزش ها، نگرش ها و کنش های اجتماعی خود را متناسب با نیازها و موقعیت های نقش در حال دگرگونی سازگار گرداند» (راش، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

در این رویکرد اهم مسائلی که درباره ورزش مطرح می شود، چنین است:

- افراد چگونه خودشان را ورزشکار تعریف می کنند و توسط دیگران به عنوان ورزشکار شناخته می شوند؟

- چه کسانی در فعالیتهای ورزشی مشارکت می کنند؟

- فرایندهایی که افراد را در ورزش درگیر می کنند، کدامند؟

- خصوصیات خرده فرهنگ های ورزشی، چگونگی خلق این خصوصیات توسط مردم و تأثیر این خصوصیات بر هویت و رفتار افراد کدام اند؟ (Coakley, 2001: 37).

به این ترتیب سؤال محوری این است که فرد چگونه و تحت تأثیر چه عواملی خود را به عنوان یک ورزشکار یا کسی که در ورزش مشارکت دارد شناسایی می کند. در مرحله درگیر ماندن در ورزش، فرد در جریان تعامل با دیگران خصوصاً ورزشکاران به نوعی برداشت از خود می رسد. برداشت از خود به عنوان ورزشکار مستلزم پذیرش فرد به عنوان ورزشکار از سوی دیگران مهم است. در صورت شکل گیری برداشت فرد از خود به عنوان ورزشکار، فرد می تواند در عرصه ورزش موقعیت خود را تثبیت کرده و به عنوان ورزشکار به فعالیت خود ادامه دهد» (Scrambler, 2005: 94).

***نظریه کارکردگرایی:** اساس نظریه ی کارکردگرایی بر این اصل مبتنی است که هر پدیده اجتماعی کارکرد معینی بر عهده دارد که به نحوی بر دوام و اداره جامعه مؤثر است. به عنوان مثال

نهاد خانواده با کارکردهای خود از قبیل تولید نسل و پرورش افراد به دوام و بقای نظام اجتماعی کمک می‌کند. این نظریه با الهام از آثار جامعه‌شناسان بزرگی مانند هربرت اسپنسر^۵ و امیل دورکیم^۶ شکل گرفته است (نیک نژاد، ۱۳۸۹: ۲۷).

رویکرد کارکردگرایی، ورزش را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد و ارتباط و پیوستگی آن را با جامعه بررسی می‌کند. نسل اول کارکردگرایان، ورزش را بازتاب جامعه تلقی می‌کنند، ولی نسل دوم آن‌ها اگر چه از تز ورزش به‌عنوان آئینه جامعه دست کشیدند، در عین حال اهمیت ورزش به‌عنوان حوزه نهادی زندگی روزمره همچنان اهمیت خود را در تحلیل‌های آنان حفظ کرده است.

دیدگاه مسلط کارکردگرایی تا پایان دهه ۱۹۷۰ مبنی بر مدل کنش گر انسانی به‌عنوان لوح سفیدی بود که جامعه پیام‌هایش را بر روی آن حک می‌کند. فرض بر این بود که انسان‌ها موجوداتی منفعل‌اند که باید همچون تنگ آبی که پر می‌شود به آن‌ها نگرسته شود. در این مدل، شیوه‌های یادگیری نقش‌های ورزشی در جریان دریافت تشویق و تقویت‌های ناشی از رابطه با دیگران مهم در خانواده و گروه همسالان مورد توجه قرار می‌گیرد. تحقیقات مبنی بر مدل کارکردگرایی منجر به دو نتیجه می‌شوند:

۱- مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط ویژه‌ای با دریافت حمایت از جانب دیگران مهم دارد.

۲- نفوذ نسبی دیگران مهم و نیز میزان و نوع تشویق دریافت شده در نظام‌های اجتماعی، برای مشارکت یا عدم مشارکت در ورزش بر حسب جنسیت، طبقه، نژاد، سن و فرهنگ متفاوت است.

هیچ‌کس نمی‌تواند تأثیر روابط و مناسبات اجتماعی را بر ورزش و اینکه چگونه این روابط و مناسبات به ورزش معنا می‌دهند و وجود آن را به‌عنوان یک فعالیت انسانی توجیه و تفسیر می‌کنند نادیده بگیرد (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۵۸). در آخر باید بیان داشت که مبنای تئوریک این مقاله رویکردهای کنش متقابل و یادگیری اجتماعی است. مفهوم محوری تئوریک این مقاله نیز مفهوم «مشارکت ورزشی» است که به‌عنوان چارچوب تحلیلی در مقاله موردتوجه و استفاده قرار گرفته است.

2. Herbert spencer

3. Imeal Durkim

فرضیات تحقیق:

فرض کلی این پژوهش این است که مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تحت تأثیر خانواده و رسانه های گروهی شکل می گیرد. این فرضیه کلی در غالب فرضیه های جزئی زیر خلاصه می شود:

- ۱- به نظر می رسد خانواده بر مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأثیر دارد.
- ۲- به نظر می رسد رسانه های گروهی بر مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأثیر دارد.
- ۳- به نظر می رسد پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأثیر دارد.
- ۴- به نظر می رسد متغیرهای زمینه ای (سن، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، درآمد) بر مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأثیر دارد.

روش شناسی تحقیق:

تحقیق حاضر با رویکردی کمی و به روش توصیفی - پیمایشی انجام شده. روش گردآوری در این پژوهش کتابخانه ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر پرسشنامه است. داده های تحقیق از طریق پرسشنامه اصلاح شده مشارکت ورزشی جمع آوری شد که دختران دانشجوی دانشگاه هرمزگان آن را تکمیل کردند. جامعه آماری این پژوهش، راکلیه ی دانشجویان دختر ثبت نام شده در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه هرمزگان تشکیل می دهند و هنگام گردآوری داده ها در دانشگاه حضور داشته اند. با توجه به اینکه جمعیت پژوهش به چند زیرگروه عمده که در پژوهش حاضر عبارت اند از: مقطع و دانشکده تقسیم می شوند برای حفظ نمایایی و حفظ نسبت های برابر و مشابه، گروه های مختلف در حجم نمونه با جامعه آماری از روش نمونه گیری چندمرحله ای که از تلفیق روش نمونه گیری قشر بندی شده (طبقه بندی شده) و خوشه ای استفاده شده است. بر این اساس، در مرحله اول نمونه گیری از میان دانشکده های متعدد دانشگاه دو دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شده و در مرحله دوم از بین کلاسهای در حال برگزاری دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و بدیهی است که مطالعه روی تمامی دختران در کلاس انجام گرفته است. بر اساس برآورد انجام شده تعداد کلیه دانشجویان دختر

دانشگاه هرمزگان حدود ۴۵۰۰ نفر می‌باشد. که بر اساس آن ۳۵۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه پژوهش با فرمول کوکران انتخاب گردیدند.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه، با استفاده از آزمون‌های مناسب به کمک نرم‌افزار Spss به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است و در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شده است. در این پژوهش به‌منظور تعیین میزان اعتبار و روایی شاخص‌ها، از اعتبار صوری استفاده شده است. و برای سنجش میزان اعتماد یا پایایی مقیاس‌ها، از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ سؤالات پرسشنامه ۰/۸۶۵ درصد می‌باشد و نشان می‌دهد پایایی مقیاس‌های مورد استفاده، خوب است.

جدول شماره ۱: مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

تعداد	متغیرها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
۱	مشارکت ورزشی	۱۴	۰/۸۰۷
۲	خانواده	۱۰	۰/۸۸۰
۳	رسانه‌های گروهی	۶	۰/۹۱۳

یافته‌های تحقیق:

یافته‌های توصیفی:

* یافته‌های توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی: بر اساس نتایج توصیفی در خصوص وضعیت تأهل از مجموع ۳۵۴ نفر پاسخگو، ۲۸۷ نفر از پاسخگویان (۸۱/۱ درصد) مجرد و ۶۷ نفر (۱۸/۹ درصد) متأهل بوده‌اند. بررسی مقطع تحصیلی نشان می‌دهد ۲۳۰ نفر (۶۵/۰ درصد) در مقطع کارشناسی، ۱۰۹ نفر (۳۰/۸ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۵ نفر (۴/۲ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. و از لحاظ میزان درآمد هم ۱۴۵ نفر (۴۱/۰ درصد) دارای درآمد خیلی پایین، ۱۲۸ نفر (۳۶/۲ درصد) درآمد پایین، ۴۹ نفر (۱۳/۸ درصد) درآمد متوسط و ۹ نفر (۲/۵ درصد) درآمد بالا و ۲۳ نفر (۶/۱ درصد) هم دارای درآمد خیلی بالا هستند. وضعیت پاسخگویان بر حسب سن نشان می‌دهد بیش‌ترین فراوانی به گروه سنی ۲۵ تا ۲۱ سال تعلق دارد که تعداد آن‌ها ۲۱۶ نفر است و ۶۱/۰ درصد پاسخگویان را در برمی‌گیرد. کمترین فراوانی نیز به گروه‌های سنی ۴۰

تا ۳۶ سال تعلق دارد که تعداد آن ۱ نفر است و ۰/۳ درصد از پاسخگویان را در برمی گیرد. همچنین از لحاظ وضعیت پایگاه اجتماعی- اقتصادی ۲۳۳ نفر (۶۵/۸ درصد) در طبقه پایین، ۱۱۳ نفر (۳۱/۹ درصد) در طبقه متوسط و ۸ نفر (۲/۳ درصد) در طبقه بالا قرار داشته اند. از لحاظ انجام فعالیت های ورزشی، ۳۱۷ نفر (۸۹/۵ درصد) ورزش می کردند و ۳۷ نفر (۱۰/۵ درصد) از پاسخگویان ورزش نمی کردند.

یافته های استنباطی:

*به نظر می رسد متغیرهای زمینه ای (سن، وضعیت تأهل، درآمد، مقطع تحصیلی) بر مشارکت دختران در فعالیت های ورزشی تأثیر دارد.

نتایج آزمون مقایسه ای میانگین مشارکت دختران در فعالیت های ورزشی برحسب وضعیت تأهل نشان می دهد که وضعیت تأهل به عنوان متغیری مستقل بر مشارکت دختران در ورزش تأثیری ندارد. مقدار آزمون پیرسون بین دو متغیر مشارکت دختران در ورزش و سن برابر ۰/۰۰۲ هست و با توجه به نتیجه به دست آمده از رابطه بین دو متغیر می توان نتیجه گرفت که رابطه بین دو متغیر از نظر آماری معنی دار نیست. همچنین نتایج ضریب همبستگی بین درآمد و مشارکت دختران در فعالیت ورزشی بیانگر این است که ضریب همبستگی ۰/۰۱۷ در سطح معنی دار ۰/۰۷۵ معنادار نمی باشد. و بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون میان مقطع تحصیلی و مشارکت دختران در فعالیت های ورزشی، رابطه معنی داری دیده نمی شود..

*به نظر می رسد طبقه اجتماعی - اقتصادی بر مشارکت دختران در فعالیت های ورزشی تأثیر دارد.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون پیرسون میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت دختران

در فعالیت های ورزشی

متغیر	مشارکت ورزشی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	سطح معنی داری
مشارکت ورزشی	۱	۰/۰۵۳	۰/۳۵۴
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۰۵۳	۱	۰/۳۵۴

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی با میزان ۰/۰۵۳ در سطح معنی‌داری ۰/۳۵۴، رابطه معنی‌داری دیده نمی‌شود.

*به نظر می‌رسد خانواده بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی تأثیر دارد.

طبق جدول، غیر از شاخص ورزشی بودن خانواده با میزان همبستگی ۰/۰۶۵ که رابطه معنی‌داری با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی ندارد، دیگر شاخص‌ها یعنی حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی فرد با میزان همبستگی ۰/۲۹۸ و پذیرش ورزش میان اعضای خانواده با میزان همبستگی ۰/۱۳۸ با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارند. بر این اساس با ۹۹ درصد اطمینان فرض مذکور پذیرفته می‌شود. یعنی خانواده در مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی تأثیری مستقیم دارد.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی متغیر خانواده و مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی

نوع رابطه	وجود ارتباط	مشارکت ورزشی			متغیر
		همبستگی			
		تعداد	سطح معنی‌داری	پیرسون	
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸**	حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۱۰	۰/۱۳۸**	پذیرش ورزش میان اعضای خانواده
	ندارد	۳۵۴	۰/۲۰۵	۰/۰۶۵	ورزشی بودن خانواده
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱**	خانواده

*همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵

**همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱

*به نظر می‌رسد رسانه‌های گروهی بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی تأثیر دارد

طبق جدول شماره ۴ میان شاخص‌های رسانه‌های گروهی (رسانه‌های الکترونیکی و رسانه‌های چاپی) با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌دار در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ وجود دارد. با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی و رسانه‌های گروهی و شاخص‌های آن رابطه معنادار و مستقیمی برقرار است. بنابراین رسانه‌های گروهی بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی تأثیر مهمی دارد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی متغیر رسانه های گروهی و مشارکت دختران در

فعالیت های ورزشی

نوع رابطه	وجود ارتباط	مشارکت ورزشی			متغیر
		همبستگی			
		تعداد	سطح معنی داری	پیرسون	
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۳۴	۰/۱۱۳*	رسانه های الکترونیکی
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۸۰**	رسانه های چاپی
مستقیم	دارد	۳۵۴	۰/۰۰۳	۰/۱۵۹**	رسانه گروهی

-رگرسیون خطی چند متغیره:

جدول شماره ۵: نتایج رگرسیون چند متغیره مرحله به مرحله برای متغیر وابسته مشارکت

دختران در فعالیت های ورزشی

مرحله	متغیر مستقل	R	R^2	سطح معنی داری	اشتباه استاندارد	Beta	b
۱	خانواده	۰/۱۹۴	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	۹/۴۹۰	/۱۹۴	۰/۲۱۸

جدول شماره ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته مشارکت دختران در فعالیت های ورزشی نشان می دهد. داده های جدول نشان دهنده آن است که از میان متغیرهای مستقل، متغیر خانواده توانست حدود ۱۹ درصد از متغیر وابسته را تبیین کند.

بحث و نتیجه گیری:

هدف این تحقیق بررسی تأثیر خانواده و رسانه های گروهی بر مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت های ورزشی است. یعنی فرایندی که طی آن افراد ضمن آشنایی مقدماتی وارد عرصه ورزش می شوند و با گذشتن از مراحل مختلف، به عنوان ورزشکار شناخته می شوند. در این راستا این نکته را مطرح کردیم که ورزشکار شدن نمی تواند به صورت اتفاقی و یکباره و بر اساس توانایی صرف بدنی محقق شود، بلکه فرایندی اجتماعی است که متأثر از عوامل اجتماعی از جمله ابعاد اجتماعی خانواده فرد و تأثیر رسانه های گروهی حاصل می شود.

برای این منظور به طرح دیدگاه کسانی پرداختیم که معتقد بودند ورزشکار شدن مستلزم این است که فرد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار گرفته و جامعه‌پذیر شود. هر یک از رویکردهای نظری با توجه به مفاهیم و گزاره‌های موجود در چهارچوب تئوریک خود نگاه متفاوتی به فرایند مشارکت ورزشی دارند. به‌عنوان مثال: نظریه‌ی کارکردگرایی با توجه به اینکه رویکردی کل‌نگر و ساختاریست، نگاهی از بالا به پایین به فرایند مذکور داشته و در پی تبیین این قضیه است که چگونه فرایند جامعه‌پذیری ورزشی تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد.

فرضیات این تحقیق با استفاده از نظریات بیان شده و تحقیقات تجربی پیشین در این زمینه تدوین گردیده‌اند. با تحلیل یافته‌ها نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

نتایج آزمون مقایسه میانگین مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی بر حسب وضعیت تأهل نشان می‌دهد که وضعیت تأهل در این تحقیق اثری بر روی مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی ندارد. همچنین نتیجه به دست آمده از آزمون پیرسون نشان داد که رابطه بین سن و درآمد با مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی از نظر آماری معنی‌دار نیست، به عبارت دیگر سن و درآمد دانشجویان دختر بر مشارکت ورزشی آن‌ها تأثیری ندارد. و براساس نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیون مشخص شد مقطع تحصیلی بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی هیچ‌گونه تأثیری ندارد. یافته این پژوهش با نتیجه پژوهش فتحی (۱۳۸۸) مبنی بر اینکه بین وضعیت تأهل با مشارکت ورزشی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد همخوانی ندارد. بنابراین فرضیه تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رد می‌شود.

ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی تأثیری ندارد. که نتایج این پژوهش با پژوهش فتحی (۱۳۹۰) و گریندوفر (۱۹۷۸) مبنی بر اینکه طبقه اجتماعی - اقتصادی بر مشارکت ورزشی دانشجویان تأثیر دارد، همخوانی ندارد. بنابراین فرضیه تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی رد می‌شود.

با توجه به نسبت‌های محاسبه‌شده، بین دو متغیر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی و خانواده رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، همان‌طور که ملاحظه گردید، خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت ورزشی دختران شناخته شد؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان حمایت دریافتی از جانب والدین و سایر اعضای خانواده

در سطح بالایی قرار دارند این یافته پژوهش با نتایج پژوهش شمسی (۱۳۹۰)، هاشمی و مرادی (۱۳۸۹)، پارسامهر (۱۳۸۸)، عریضی و همکاران (۱۳۸۵)، سیج (۱۹۸۰) و سالیس و همکاران (۲۰۰۰) مبنی بر اینکه خانواده در مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی نقش مهمی را ایفا می- کند و تأثیرگذار است، منطبق است و آن را تأیید می-کند؛ اما با نتایج پژوهش سوزان گریندوفر (۱۹۷۸) که بین خانواده و شکل مشارکت ورزشی تأثیری یافت نشد، منطبق و همخوان نیست. بنابراین فرضیه تأثیر خانواده بر مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأیید می-گردد.

با اطمینان ۹۹ درصد می-توان گفت بین مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی و رسانه های گروهی و شاخص های آن رابطه معنادار و مستقیمی برقرار است. همچنین داده ها نشان داد فرضیه ما مبنی بر این که رسانه های گروهی در مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی تأثیر دارد، در سطح معنی داری ۰۰۰۰۰ تأیید می-گردد. این نتایج با یافته های پژوهش شمسی (۱۳۹۰)، صادقیان (۱۳۹۰)، نادری نژاد (۱۳۸۹)، مسنر (۲۰۰۲) مبنی بر تأثیر مهم رسانه های گروهی و ارتباط آن با مشارکت ورزشی افراد، همخوانی دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله برای متغیر وابسته ی مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی نشان می-دهد، متغیر خانواده ۱۹ درصد از متغیر وابسته را تبیین نموده است.

به این ترتیب ملاحظه شد که خانواده و رسانه های گروهی در مشارکت دختران در فعالیتهای ورزشی از اهمیت زیادی برخوردار است. توجه به ورزش در جامعه امروز که کشمکش و آسیب در آن زیاد است می-تواند به عنوان راهکاری برای کمک به اعضای جامعه برای کسب آرامش و سلامت جسمی و روحی قلمداد شود. محققان مختلف از جمله متخصصان حوزه سلامت، بسیاری از ناملايمات جسمی و روحی را مستقیم و غیرمستقیم با ورزش مرتبط می-دانند. از این رو توجه به ورزش و تلاش در جهت گسترش آن در جامعه می-تواند سبب ایجاد تغییرات مثبت و جلوگیری از به وجود آمدن آسیب های مختلف در میان اعضای جامعه شود.

پیشنهادات:

۱- با توجه به اینکه این پژوهش با متغیرهای معینی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرایند جامعه پذیری ورزشی پرداخته است لذا به کارگیری شاخص های وسیع تر با زمینه های بارزتر و به صورت عمیق تر در این حوزه ضروری است. لذا به پژوهشگران علاقه مند به این حوزه از علم

توصیه می‌شود که با پژوهش روی توجه به متغیرهای فرهنگی، روانی، زیستی و محیطی زمینه را برای شناخت بهتر عوامل تأثیرگذار بر فرایند مشارکت ورزشی را فراهم آورند.

۲- با توجه به پژوهش حاضر می‌توان گفت، با اصلاح نگرش خانواده‌ها نسبت به انجام فعالیت ورزشی دختران، آشنایی کامل به ورزش و توجه بیشتر مسئولان به این امر، بر تمایل دختران به ورزش می‌افزاید.

۳- یکی از راه‌های عملی تشویق دختران به ورزش، اعتقاد به تأثیر ورزش در رشد توانایی‌های آنان است که می‌تواند از طریق رسانه‌ها از جمله: تلویزیون، رادیو، مجلات و روزنامه‌ها صورت پذیرد.

منابع:

- ۱- انورالخولی، امین الشیخ، (۱۳۸۳)، ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲)، نظریه یادگیری اجتماعی. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: انتشارات رهگشا
- ۳- پارسامهر، مهربان، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی ورزش، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۴- دوفرانس، ژاک، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران، انتشارات توتیا.
- ۵- راش، مایکل، (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست - مقدمه جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- ۶- شارعیپور، محمود، (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر برگرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذران اوقات فراغت، طرح پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- ۷- شمسی، عبدالحمید، (۱۳۹۰)، تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان ۳۲- ۱۵ ساله شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، گروه مدیریت ورزشی.
- ۸- صادقیان، زهرا، (۱۳۹۰)، بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش مردم شهر همران به ورزش همگانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران.
- ۹- صفانیا، علی محمد، (۱۳۸۰)، نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان منطقه ۸ دانشگاه‌های آزاد اسلامی با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی، مجموعه مقالات همایش اوقات فراغت و تفریحات سالم جوانان، ۱۹-۲۰ اردیبهشت.
- ۱۰- نادریان جهرمی، مسعود، (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی در ورزش، اصفهان، نشر هنرهای زیبا.

- ۱۱- نیک نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تحلیل اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های ورزشی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مازندران.
- ۱۲- عریضی، فروغ، فریدون، وحید، پارسامهر، مهربان، (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)، نشریه علمی- پژوهشی المپیک. شماره ۱۶، پیاپی ۱۴، ص ۱۱.
- ۱۳- فتحی، سروش، (۱۳۸۸)، تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم.
- 14-Bandura. A, (1997), Social Learning Theory, prentice- Hall Englewood cliffs, NJ.
- 15- Coakley. J, (2001), Sport in Society, Boston: MC Grow-Hill, Routledge.
- 16- Eyler.A, and et.al (1997), Physical activity and woman in the united states: Anoverview of Health benefits prevalence and intervention opportunities. Woman and Health 26: 27-50.
- 17- Greendofer. S.L, (1987), Social Class influence on female sport involvement university of Illinois, urbbana, champaign, sex Roles, vol 4, 619-625.
- 18- Hardin.M, Greer.G, (2009), The influence of gender role socialization, media use and sport participation on perceptions of gender – appropriated sports, journal of sport behavior.
- 19- Kenyon.G, Mcpherson.M, (1973), An approach to the study of sport socialization. International Review of sport sociology.
- 20- King.A, and et.al (1992), Determinats of physical activity and intervention in adults. Medicine and science in sports and Exercise. 24:221- 223.
- 21- Sage. G.H, (1980), PARENTAL INFLUENCE AND socialization sport for male and femaleintercollegiate, journal of sport and social Issues, vol.4, by , sage publications.
- 22- Scrambler. G, (2005), Sport and Society, Berkshire: open university press.
- 23-Vilhjalmsjon.R, Thorlindsson.T, (1998), Factors related to physical activity: a study of adolescents journal social science and medicine.
- 24-Weiss.M.R, Dancan.S.C, (1992), The relation between physical competence and peer acceptance in the context of childrens sport participation, journal of sport and Exercise psychology.14.
- 25- Weiss.M.R (1993), Psychology effects of intensive sport participation on children and youth: self-esteem and Motivation in .B.R. child and A.J.pear (Eds).Intensive participation in childrens sport pp 39-69.